

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی فرق بین تکبر و عجب از منظر علامه طباطبائی

مائده داوری^۱

^۱ سطح ۲، مدرسه علمیه صدیقه الکبری (سلام الله علیها) شهرستان
تالش، davari.maedeh.59@gmail.com

چکیده

عجب و تکبر به عنوان یکی از رذائل اخلاقی شمرده می شوند که آگاهی از آن در جهت رشد انسان بسیار مهم می باشد، هدف از این مقاله بررسی فرق بین عجب و تکبر از منظر علامه طباطبائی به روش کتابخانه ای می باشد. در آثار علامه طباطبائی به خصوص تفسیر المیزان، عجب و تکبر شبیه به هم و از یک خانواده می باشند و با توجه به نظر علامه عجب و تکبر دارای تفاوت نمی باشد.

کلید واژه: استکبار، تکبر، خودستایی، عجب، کبر

مقدمه

انسان تنها موجود پررمز و رازی است که در میان انبوه موجودات عالم، محوریت اصلی نظام خلقت را دارد، یعنی که هدف اصلی از خلقت آفرینش چیزی جز انسان نیست. این همان موجود بسیار پیچیده ایست که خداوند عالم بعد از خلقت او، خود را احسن الخالقین نامیده و روشن است که اگر خداوند به خاطر خلقت انسان، احسن الخالقین باشد، انسان نیز احسن المخلوقین می‌شود. از جمله بحثهایی که همیشه مورد نیاز جامعه بشری، خصوصا جوامع اسلامی است، بحثهای اخلاقی می باشد تا انسانها در پرتو آن بتوانند شاکله درون و اوصاف روحی خویش را تنظیم نموده، دارای رفتار و اخلاقی اسلامی و انسانی شوند و این به عنوان یک پیشینه مهم شناخته می شود. از طرفی بیان مسئله این است که انسان موجودی متشکل از دو جنبه جسمانی و روحانی می باشد که بعد جسمانی او اعضا و جوارح هستند و بعد روحانی او نفس او می باشد.

همانطور که اعضا و جوارح انسان مبتلا به امراض مختلف میگردد ممکن است روح و نفس انسان مبتلا به امراض مختلفی شود، از جمله امراض مختلف نفس، عجب و خود بینی و بدترین صفت رذیله که در داستان انبیا و آغاز خلقت مشاهده می شود، تکبر است و در منابع دینی و آثار علما به عنوان «ام الفساد» و «اساس الکفر» خوانده شده است. البته در خصوص پیشینه این موضوع باید گفت که تا کنون هر چه بوده به ویژگی ها و آثار هر یک از عجب و تکبر به صورت مجزا پرداخته شده ولی به فرق این دو موضوع از دیدگاه یک عالم دین پرداخته نشده است به این جهت، ضروری است که ابتدا با اصل این رذائل اخلاقی آشنا و فرق آن را بدانیم و از طرفی باید این امور به وسیله فردی تبیین گردد که یکی از بزرگان اخلاق و عرفان می باشد. با بررسی واژه ها و آیات مربوط به تکبر و عجب در آثار علامه طباطبایی به دنبال آن هستیم.

برای اینکه بتوانیم در موضوع تکبر و عجب بیانی داشته باشیم ابتدا باید به معنای لغوی و اصطلاحی هر کدام از واژه ها بپردازیم.

معنای لغوی و اصطلاحی تکبر

برخی کِبَر و تَكَبُّر و استِکْبَار را به صورت یکسان به کار برده‌اند،^۱ ولی برخی میان کبر و تکبر فرق گذاشته‌اند؛ کبر را امر باطنی و حالت نفسانی دانسته‌اند و تکبر را به ثمرات آن امر باطنی، که به صورت افعال و اقوال ظاهر می‌شود، اطلاق کرده‌اند.^{۲ ۳ ۴ ۵}

معنای اصطلاحی کبر از صفات نکوهیده نفسانی است که شخص متّصف به آن - که متکبر نامیده می‌شود - خود را در برابر دیگران بزرگ می‌بیند و دیگران را خوار و حقیر می‌شمارد.

البته نظر علامه طباطبایی در خصوص کبر به این ترتیب است که: کلمه "کبر" به معنای پیری و سالخوردگی است، این مثلی است که خدای تعالی آن را برای کسانی زده که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، ولی با منت نهادن و اذیت کردن پاداش عمل خود را ضایع می‌نمایند و دیگر راهی به بازگرداندن آن عمل باطل شده به عمل صحیح را ندارند، و انطباق مثل با ممثل بسیار روشن است، برای اینکه اینگونه رفتارها که اعمال آدمی را باطل می‌سازد بی‌جهت و بی‌منشا نیست، کسانی اینطور اجر خود را ضایع می‌کنند که در دل دچار بیماری‌های اخلاقی از قبیل "مال دوستی"، "جاه دوستی"، "تکبر"، "عجب"، "خودپسندی"، "بخل شدید" و ... هستند، بیماری‌هایی که نمی‌گذارد آدمی مالک نفس خود باشد، و مجالی برای تفکر و سنجش عمل خویش و تشخیص عمل نافع و مضر را بدهد، و اگر مجال می‌داد و آدمی تفکر می‌کرد هرگز به چنین اشتباه و خبطی مرتکب نمی‌شد.^۶

معنای لغوی و اصطلاحی عجب

^۱ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۷۱۸،
^۲ نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۸۰
^۳ علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص: ۶۰۳

^۴ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل «کبر»،
^۵ مقدس اردبیلی، زبدة البیان فی احکام القرآن، ج ۱، ص ۴۴۲
^۶ راغب اصفهانی، کتاب الذریعه الی مکارم الشریعه، ج ۱، ص ۲۹۹

"عجب" در لغت احساس بزرگی در درون نفس است. همچنین به انتها و مؤخر هر چیز گفته می‌شود، به همین دلیل عرب، به دم حیوان "عجب" نیز می‌گویند.^۱

از طرفی عجب به معنای منکر شدن، تکبر، خودپسندی، خودخواهی است.^۲ برخی عجب را به دو اصل دانسته که یک اصل آن به معنای تکبر و اصل دیگر به معنای عضوی از حیوان است.^۳ برخی دیگر از آن به انکار کردن یک واقعه به دلیل نادر و غیرعادی بودن وقوع آن تعبیر نموده‌اند.^۴ در اصطلاح مفسرین عبارت است از حالتی که از مشاهده‌ی چیزی که خارج از جریان طبیعی آن، در خود فرد یا صفات و رفتار او واقع شده باشد.^۵ همچنین عجب بزرگ شمردن نفس است از این جهت که شخص خود را برخوردار از یک صفت کمالی می‌بیند، اعم از اینکه واقعاً چنین صفتی در او باشد یا نباشد و اعم از این که آن صفت در واقع جزو صفات کمال باشد یا نه تعریف شده است.

آیات تکبر

در قرآن کریم تکبر از صفات بسیار نکوهیده بشر شمرده شده است. در برخی آیات به کلمه متکبر تصریح شده است؛ آیاتی که دوزخ را جایگاه متکبران معرفی می‌کند، از این جمله است.

«وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ» و روز قیامت تکذیب کنندگان بر خدا را می‌بینی که رویشان سیاه است آیا در دوزخ جایی برای متکبران نیست^۶

کذب بر خدا به همین است که کسی بگوید: خدا شریک دارد و یا بگوید خدا فرزند دارد، و یکی هم عبارت است از بدعت گذاشتن در دین. و "سواد وجه" (و رو سیاهی) نشانه ذلت است که سزای تکبر ایشان است، و به همین جهت فرمود: «أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ».

«قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ» آن گاه گفته می‌شود: از هر در به دوزخ داخل شوید در حالی که در آن، که جای متکبرین است، جاودان باشید^۷ گوینده این فرمان-

^۱ حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس ج ۲،

^۴ ابن منظور، لسان العرب ج ۱، ص ۵۸۰

ص ۲۰۶

^۵ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۵

^۲ فرهنگ ابجدی؛ متن؛ ۶۰۰

^۶ زمر: ۶۰

^۳ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة ج ۴، ص ۲۴۳

^۷ زمر: ۷۲

ترجمه سخن علامه طباطبائی (ره): ظاهر این است که مراد این است- احساس خود بینی در درون خود هنگام پوشیدن لباس زیبا- یک سیئه ای است بین او و خدایش، که اگر خدا بخواهد آن را می بخشد و اگر نخواهد نمی بخشد. و این غیر از آن کبر است که امام فرموده و آن عبارت است از استکبار بر خدا، که بخشوده نمی شود. همان طور که این حدیث را حدیث ما قبل و حدیث ما بعدش تفسیر می کنند. و اما آن چه (مجلسی) خدایش رحمت کند گفته، روشن است که با حدیث منطبق نمی شود. اگر تفسیر هم حدیث را اراده کرده باشد. بررسی: مرحوم طباطبائی می فرماید: این حدیث، کبر را بر دو نوع تقسیم می کند:

۱- کبر بر خدا. که بخشوده نمی شود و شخص وارد بهشت نمی شود.

۲- کبری که بر خدا، نیست. این کبر ممکن است بخشوده شود و ممکن است بخشوده نشود.

سپس می گوید: اگر مجلسی (ره) در مقام تفسیر کلّ حدیث باشد، سخنش منطبق با حدیث نیست. و اگر تنها دربار بخش اول حدیث، بحث می کند حرفش درست است.

اینک بخش اول: داخل بهشت نمی شود کسی که در قلبش به وزن حبه ای از خردل، کبر باشد.

بخش دوم: احساس خود بینی در اثر پوشیدن لباس زیبا، چیزی است بین و بین الله.^۱

بدیهی است که مرحوم مجلسی هر دو بخش را تفسیر می کند. زیرا با کلم «ای» که همیشه برای توضیح «مراد» به کار می رود (و همیشه به آخر سخن مورد تفسیر، بیش از بخش اول، متعلق می شود) شروع کرده است. او در صدد بیان یک نکته مهمی است به شرح زیر:

در ظاهر عبارت حدیث، کبر به دو نوع تقسیم شده:

۱- کبری که مانع از ورود به بهشت است.

۲- کبری که بین و بین الله است و مانع از ورود به بهشت نمی شود. زیرا ممکن است بخشوده شود. و چون از جانب دیگر، ادله و احادیث داریم که مسلم می کنند عجب مانع از ورود به بهشت است در حالی که از مصادیق بین و بین الله، است. مجلسی به مخاطبش می گوید: اشتباه نکن

^۱ طباطبائی، نقدهای علامه طباطبائی بر علامه مجلسی)

حواشی بر بحار الانوار)، ص: ۱۲۷

مراد امام (ع) هم مصادیق «بینه و بین الله» نیست. می گوید: مراد امام (ع) در بخش اول، کبر علی الله است که دو نوع است:

۱- انکار حق. این از مصادیق بینه و بین الله، نیست. زیرا کسی که خدا را انکار می کند، «بینه و بین الله»، برای او معنائی ندارد.

۲- عجب. این از مصادیق بینه و بین الله است. این هر دو بخشوده نمی شوند. یعنی مجلسی «کبر بینه و بین الله» را نیز به دو بخش تقسیم می کند:

الف: عجب که مانند انکار خدا، مانع از ورود به بهشت است.

ب: نوع دوم مانند احساس خودبینی از پوشیدن لباس زیبا.

این بخش دوم نیز سه گونه است که پس از چند سطر تحت عنوان «تفنن» خواهد آمد. اما در بیان علامه طباطبائی، کبر فقط به دو نوع تقسیم می شود: کبری که بخشوده نمی شود، و کبری که ممکن است بخشوده شود. و آن نکت مهم (و باید گفت: اصل مهم) همچنان مبهم، مجهول، و بدون روشن شدن ذهن مخاطب، می ماند.

^۱ طباطبائی، نقدهای علامه طباطبائی بر علامه مجلسی)
حواشی بر بحار الانوار، ص: ۱۲۸

نتیجه گیری

از جمله آفاتی که انسان را به دام شیطان مبتلا می‌کند و حتی انسان را از مسیر سعادت باز می‌دارد و به دنبال خود، انسان را به آفت‌های دیگر مبتلا می‌کند تکبر و عجب و خودپسندی است. شد، تکبر و خودخواهی سرچشمه تمامی گناهان است و بدترین نوع تکبر گردن کشی در برابر خداوند است. عاقبت فرد متکبر رانده شدن از درگاه الهی است. تعریف عجب به خودستایی و خود پسندی و تکبر به خود بزرگ بینی و شباهت مصداقی هر دو نشان از عدم تفاوت می باشد و فقط می توان گفت عجب مقدمه تکبر می باشد. آگاه شدن از معنا و مفهوم عجب و تکبر و دور شدن از عجب انسان را از این رذیله اخلاقی بسیار خطرناک دور خواهد ساخت.

منابع

قرآن کریم

امام خمینی، **چهل حدیث**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵ ه.ش

-----، **آداب الصلوه**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۷۸ ه.ش

ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه. ق

-----، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العمری،

چاپ سوم، بی تا

ابوالحسین، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب

اعلام اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق

حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، مصحح: علی شیری،

بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، تهران، ۱۳۳۲ ه. ش

-----، حسین بن محمد، **کتاب الذریعه الی مکارم الشریعه**، قاهره: ابویزید عجمی، چاپ

افست قم، ۱۳۷۳ ه. ش.

طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: پنجم،

۱۳۷۴ ه. ش

-----، محمد حسین، نقدهای علامه طباطبائی بر علامه مجلسی (حواشی بر بحار الانوار)،

، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: اول، بی تا

غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، تهران: چاپ حسین خدیو جم، ۱۳۶۸ ه. ش

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی ، بحار الانوار ، بیروت، بی نام، ۱۴۰۳ ه ق

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد ، زبدۃ البیان فی احکام القرآن، قم: بی نام، ۱۳۷۵ ه. ش

مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ه. ش

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش

نراقی، مهدی بن ابی ذر ، جامع السعادات، نجف: چاپ محمد کلانتر ، ۱۳۸۷ ه ش